

تأثیر حذف ارز ترجیحی بر
دهک های پایین و بالای
درآمدی؛ روش بهینه
بازتوزیع





چکیده

نرخ ارز ترجیحی یکی از ابزارهای دولت برای حمایت از اقشار کم‌درآمد از طریق تخصیص ارز ارزان‌تر به کالاهای اساسی و ضروری است. حذف یا کاهش این نرخ می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید دهک‌های پایین درآمدی منجر شود. این پژوهش به بررسی تأثیر حذف ارز ترجیحی بر دهک‌های پایین و بالای درآمدی در ایران و ارائه راهکارهای بهینه بازتوزیع درآمد می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، تحلیل اثرات اقتصادی حذف ارز ترجیحی بر گروه‌های مختلف درآمدی و ارائه راهبردهای حمایتی به منظور کاهش اثرات منفی آن بر اقشار آسیب‌پذیر است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که حذف ارز ترجیحی منجر به افزایش هزینه‌های معیشت خانوارهای کم‌درآمد شده و نابرابری اقتصادی را تشدید می‌کند. همچنین، افزایش آگاهی مردم در مورد تبعات این سیاست می‌تواند نقش موثری در مدیریت اثرات آن داشته باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش، ایجاد بانک اطلاعاتی جامع برای شناسایی و تحلیل دقیق‌تر نیازها و شرایط اقتصادی خانوارها، به‌روزرسانی زیرساخت‌های نظارتی و اجرای سیاست‌های هدفمند در بازتوزیع نقدی و کالایی، راهکارهای بهینه‌ای برای کاهش اثرات منفی این سیاست هستند. این راهبردها می‌توانند در بهبود کارایی و اثربخشی سیاست‌های یارانه‌ای کشور مورد استفاده قرار گیرند.

کلیدواژه: حذف ارز ترجیحی، بازتوزیع درآمد، دهک‌های درآمدی، یارانه نقدی، سیاست‌های حمایتی، نابرابری اقتصادی، اثرات تورمی

طبقه‌بندی JEL: E۴۲, D۳۱, D۳۱, H۵۳, H۵۰, D۶۳, E۳۱



۱. مقدمه

یکی از ابزارهای رایج دولت‌ها ایجاد تعادل بین بخش‌های مختلف اقتصادی، حمایت از اقشار کم درآمد، برقراری عدالت و اجتناب از نابرابری، نظام پرداخت یارانه است. این نظام به اشکال مختلف بر گروه‌های کالایی گوناگون از جمله مواد غذایی تعلق می‌گیرد.

ارز ترجیحی به نرخ ارزی گفته می‌شود که دولت برای برخی کالاها و خدمات از جمله کالاهای اساسی، دارو و نهاده‌های کشاورزی در اختیار واردکنندگان قرار می‌دهد. هدف از اعمال این سیاست، تأمین و تثبیت قیمت این کالاها برای جلوگیری از افزایش هزینه‌های زندگی شهروندان به ویژه دهک‌های درآمدی پایین است (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۲۰۲۲).

گزینش و توزیع ارز با قیمت‌های دستوری یکی از راهکارهای ثابت پس از انقلاب در مواجهه با بحران‌های ارزی بوده است. نرخ ارز ترجیحی در دوره‌های مختلف تحت عنوان‌های مختلفی چون ارز دولتی، ارز دو نرخ، ارز مبادله‌ای و یارانه ارزی نامیده شده است و در برخی مقاطع نرخ ارز دولتی و آزاد یکسان شده است. با افزایش تلاطمات ارزی در اوایل ۱۳۹۷، ستاد اقتصادی دولت سیاست تخصیص ارز ترجیحی را آغاز کرد. بر اساس مصوبه هیئت وزیران در ۱۳۹۷/۰۱/۲۲، مصارف ارزی بر اساس هر دلار معادل ۴۲۰۰ تومان تعیین شد. همزمان با جهش نرخ ارز، دولت در مرداد ۱۳۹۷ با معرفی ۲۵ قلم کالای اساسی تصمیم گرفت ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی را به برخی اقلام تخصیص دهد و به این طریق بازار را مدیریت کند (پوراصغری و همکاران، ۱۴۰۱).

هدف از این سیاست، کنترل نوسانات بازار داخلی، جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی، کنترل نرخ تورم، و بهبود رفاه خانوارها بود. با گذشت زمان، تعداد کالاهایی که ارز ترجیحی دریافت می‌کردند، کاهش یافت و در نهایت تا فروردین ۱۴۰۰، تنها به محصولاتی همچون ذرت دانه‌ای، کنجاله سویا، جو، دانه‌های روغنی و روغن خام محدود شد. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که سیاست پرداخت ارز ترجیحی در دستیابی به اهداف خود ناکارآمد بوده و هزینه‌های سنگینی به دولت تحمیل کرده است. در مقابل، دولت معتقد است که این سیاست به کنترل افزایش قیمت محصولاتی مانند گوشت مرغ، گوشت قرمز، روغن خوراکی و لبنیات در بازار کمک کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

با این حال، گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که اجرای سیاست ارز ترجیحی منجر به بروز مشکلاتی مانند افزایش رانت‌جویی، گسترش فساد، تضعیف تولید داخلی، هدر رفت منابع و خروج ارز از کشور شده است. با این وجود، عامل اصلی که ادامه اجرای این سیاست را توجیه می‌کند، میزان تأثیر آن در کنترل نوسانات و افزایش قیمت محصولات در بازار نهایی است (طاهری ریکنده و شعبان زاده خوشرویی، ۱۴۰۰). مشکل رکود تورمی و کاهش قدرت خرید مردم، کوچک شدن سفره خانوارها و خطر احتمالی سلامت جامعه ناشی از حذف یا کاهش مصرف برخی از اقلام اساسی در



سبد خانوارها، در سال‌های اخیر به دغدغه اصلی سیاست‌گذاران حوزه کلان اقتصادی کشور تبدیل شده است. فشارهای تحریمی در کنار ناتوانی برای تغییر یا ترمیم ساختار اقتصاد، زنجیره‌ای پیوسته از رکود و تورم را ایجاد کرده است که طی حدود ۱۰ سال گذشته، یکدیگر را تقویت کرده‌اند. این وضعیت در نهایت، پیامدهای زیانباری را به شکل کاهش قدرت خرید، کاهش رفاه عمومی و افزایش شکاف طبقاتی در جامعه به همراه داشته است. در اوایل سال ۱۳۹۷، سیاست‌گذاران برای مقابله با آثار تحریم‌های اقتصادی-مالی علیه کشور، به اجرای سیاست اعطای یارانه ارزی برای تأمین کالاهای اساسی و ضروری جامعه اقدام کردند. اما با گذشت چهار سال از اجرای این سیاست، بیشتر کارشناسان معتقدند که این سیاست به اهداف اصلی خود (که مهمترین آن، رساندن کالاهای اساسی بدون افزایش قیمت به دست مصرف‌کننده بود) دست نیافته است. طبق آمارهای رسمی، نرخ تورم مصرف‌کننده در این دوره به طور میانگین هر سال ۷۳۸ درصد افزایش داشته است. همچنین، شاخص قیمت مصرف‌کننده (بر اساس سال پایه ۱۳۹۵) در سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، حدود ۲۷۴ درصد رشد داشته است. از اوایل سال ۱۳۹۷ تا پاییز سال ۱۴۰۰، شاخص قیمت تولیدکننده (بر اساس سال پایه ۱۳۹۵) نیز حدود ۳۲۷ درصد افزایش یافته است. بررسی آمارها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از این ارز اختصاص یافته خارج از موارد تعیین شده توزیع شده و نوعی رانت انحصاری برای واردکنندگان برخی از کالاهای اساسی ایجاد شده است. در این شرایط، دولت نظارت جدی بر توزیع ارز و کالاها را ندارد (بشخور، ۱۴۰۰). این موضوع موجب شد تا موضوع حذف ارز ترجیحی در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد. پیامدهای امنیتی-اقتصادی احتمالی آن در حال حاضر به دغدغه اصلی، هم برای عموم جامعه و هم برای مسئولان تبدیل شده است. آنچه در فضای واقعی اقتصاد تجربه شده است، نشان می‌دهد که در چند ماه گذشته، به دنبال هر تأیید یا تکذیب این خبر، نوسانات زیادی در بازارهای مختلف، به‌ویژه بازار کالاهای اساسی، رخ داده است که در مرحله نخست ناشی از تشدید یا تضعیف انتظارات منفی در سطح اقتصاد بوده است. سیاست‌گذاران باید با آگاهی از واقعیت آمار و پیامدهای اقتصادی اجرای این طرح، درباره چگونگی اجرای مؤثر آن تصمیم‌گیری کنند؛ زیرا در غیر این صورت، این مسئله با پیامدهای امنیتی-اقتصادی همراه خواهد بود (بشخور، ۱۴۰۱).

قیمت مواد غذایی به طور چشمگیری بر میزان عرضه و تقاضای این کالاها تأثیر دارد. با توجه به تکرار خرید مکرر مواد غذایی توسط مردم، تغییرات قیمتی آن بیش از سایر محصولات قابل مشاهده است (کارگو، ۲۰۰۰). قیمت مواد غذایی نقش مهمی در رفاه و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند و نوسانات قیمتی آن، یک تهدید بزرگ برای رفاه، رونق اقتصادی و ثبات سیاسی است. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به‌طور یکسان بر گروه‌های مختلف درآمدی تأثیرگذار نیست. مقدار و جهت این تأثیر، با میزان درآمد، ثروت و ترکیب سبد مصرفی گروه‌های درآمدی ارتباط مستقیم دارد. این موضوع سبب ایجاد نگرانی‌های گسترده در مورد تأثیرات بالقوه بر رفاه خانوارها، به‌ویژه دهک‌های پایین درآمدی شده است که به دلیل عدم توان مالی برای تأمین سبدهای غذایی اولیه، بیشتر تحت فشار قرار دارند. علاوه بر این، الگوی مصرف متفاوت همراه با تغییرات نسبی قیمت مواد غذایی، منجر به اثرات تورمی متفاوت بین افراد مختلف جامعه شده و آثار



توزیعی نابرابر تورم بر دهک‌های مختلف درآمدی به موضوعی جدی و حائز اهمیت تبدیل شده است (سالم و همکاران، ۱۴۰۱). دهک‌های کم‌درآمد جامعه، در مقایسه با سایر دهک‌ها، به دلیل اختصاص وزن بیشتری از بودجه خانوار به هزینه‌های مربوط به مواد غذایی، حساسیت بیشتری به تغییرات قیمت این کالاها نشان می‌دهند. این موضوع باعث می‌شود که یک تغییر جزئی در قیمت این گروه از کالاها، تأثیر قابل توجهی بر رفاه آنها داشته باشد (جعفری صمیمی و فرجزاده، ۱۳۹۸). در نتیجه، این گروه‌ها مجبور به صرفه‌جویی در کمیت و کیفیت وعده‌های غذایی و جایگزینی کالاهای غذایی نسبتاً ارزان با کیفیت تغذیه‌ای پایین به جای کالاهای غذایی غنی از مواد غذایی میشوند، که میتواند تأثیر مخربی بر سلامت خانوارها، به‌ویژه خانوارهای فقیر، داشته باشد. از طرف دیگر، افزایش قیمت مواد غذایی سبب محدود شدن میزان بودجه خانوارهای کم‌بضاعت برای تأمین هزینه‌های مهم غیرخوراکی مانند مسکن، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی میشود. این موضوع با افزایش شکاف در جامعه، پیامدهای ناگواری را در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به دنبال خواهد داشت (سالم و همکاران، ۱۴۰۱). از نظر تئوری، نقل و انتقالات نقدی در مقایسه با تخصیص یارانه بر کالا، به واسطه ایجاد حق انتخاب برای مصرف‌کننده، از مزیت بیشتری برخوردار است. اقدامات اخیر دولت سیزدهم با عنوان حذف ارز ترجیحی و واریز همزمان وجه نقد به حساب سرپرست خانوار و به عبارت دقیق‌تر، تغییر محل پرداخت، با این فرض که قیمت سایر کالاها و خدمات تحت تأثیر این اصلاحات قرار نمی‌گیرد نشان می‌دهد دولت سعی دارد در سطوح قیمت‌های جدید و بالاتر کالاهای مورد نظر، با حفظ قدرت خرید مصرف‌کنندگان، تغییری در مطلوبیت خانوار صورت نپذیرد. واضح است که این پیامدهای نظری تنها در صورتی پدیدار می‌شود که تأثیر تغییر سیاست به تأثیرات مستقیم محدود شود. در شرایط دنیای واقعی که واکنش قیمتی سایر کالاها و خدمات نسبت به تغییرات یکدیگر متفاوت است، لزوماً تأثیر خنثی سیاست به کارگرفته شده، تحقق نخواهد یافت (سالم و همکاران، ۱۴۰۱).

با توجه به اینکه اجرای سیاست یارانه ارز ترجیحی مشکلات زیادی به دنبال داشته است و از طرفی هزینه‌های بالایی برای دولت به بار آورده است، طرح حذف تدریجی این ارز در دستور کار قرار گرفته است. این موضوع می‌تواند تبعات مختلفی بر سطح رفاه و قدرت خرید خانوارها، به ویژه دهک‌های پایین درآمدی داشته باشد (بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۲). بنابراین، بررسی تأثیر حذف ارز ترجیحی بر دهک‌های مختلف درآمدی و سیاست‌های جبرانی مورد نیاز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. چارچوب نظری

نرخ ارز به عنوان واسط میان اقتصاد داخلی و خارجی، یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان‌اقتصادی است. هرگونه اتخاذ سیاست ارزی جدید از طریق تأثیرگذاری بر قیمت‌های صادراتی و وارداتی در ترکیب با قیمت‌های داخلی، می‌تواند بر درآمد، مخارج مصرفی و نهایتاً رفاه خانوارها تأثیر بگذارد (صدیق‌محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱). الکساندر (۱۹۵۲) اولین فردی



است که ارتباط میان نرخ ارز و مصرف را بررسی نمود. او معتقد بود که نرخ ارز از طریق اثرات عبوری خود بر تورم بر مصرف تأثیر می‌گذارد.

ابستفلد و روگوف (۱۹۹۸)، با استناد به این موضوع عنوان کردند که تغییرات نرخ ارز سبب می‌شود تا شرکت‌ها و خانوارها به‌طور کلی نسبت به این تغییر واکنش نامطلوب نشان دهند که این امر به نوبه خود بر تصمیمات مصرفی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین، تغییرات نرخ ارز با اثرگذاری بر تولید، درآمد و تجارت، مصرف را متأثر می‌سازد. از سوی دیگر، شرکت‌ها با بالا بردن قیمت کالاها و خدمات خود، ریسک‌های مربوط به تغییرات نرخ ارز را پوشش می‌دهند که این مسئله به نوبه خود مصرف واقعی خانوار را متأثر می‌سازد. در این رابطه، باید اذعان نمود که تضعیف ارزش پول داخلی باعث ارزان شدن کالاهای داخلی برای خریداران خارجی شده و موجب افزایش صادرات و تقاضای کل و سطح قیمت‌ها می‌گردد. با توجه به ثابت ماندن دستمزدهای اسمی در کوتاه مدت، دستمزد حقیقی کاهش یافته و تولید افزایش می‌یابد؛ بنابراین کاهش ارزش پول باعث افزایش موقت تولید و افزایش دائمی قیمت‌ها می‌شود. با این حال، تأثیر بلندمدت کاهش ارزش پول بر سطح قیمت‌ها به سیاست پولی بستگی دارد. تا زمانی که سیاست پولی در نگه‌داشتن انتظارات تورمی بلندمدت در سطح هدف، موفقیت‌آمیز باشد، عبور نرخ ارز تنها اثر مستقیم بر سطح قیمت‌ها خواهد داشت (شعبان زاده و همکاران، ۱۴۰۱).

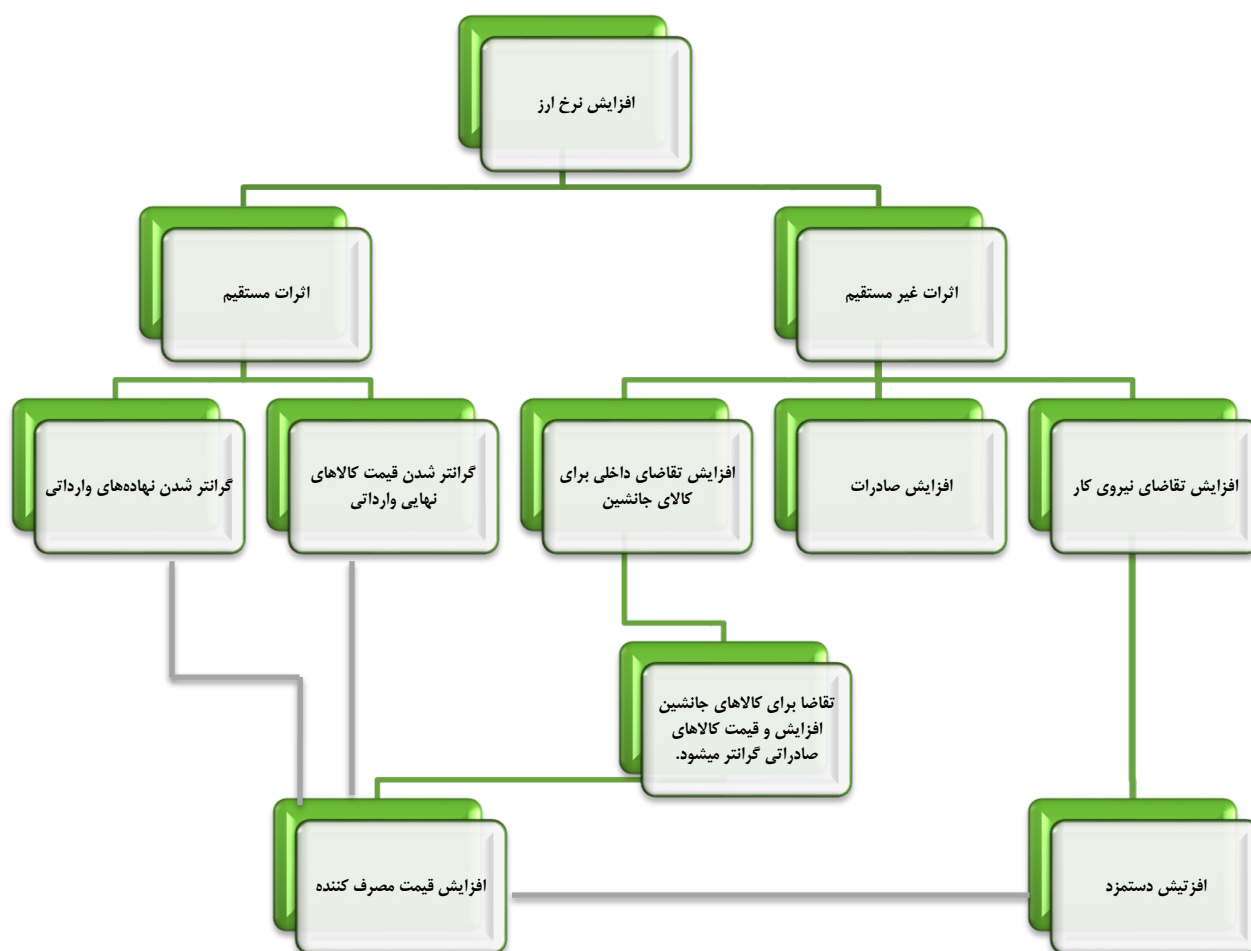
ارز ترجیحی به عنوان سیاستی برای کنترل قیمت کالاهای اساسی، نقشی کلیدی در تنظیم بازار دارد. تخصیص ارز ترجیحی با نرخ پایین‌تر از نرخ بازار، به واردکنندگان کالاهای اساسی اجازه می‌دهد تا محصولات را با قیمتی پایین‌تر از قیمت واقعی وارد کنند. این سیاست با هدف جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای ضروری و محافظت از رفاه خانوارها اجرا می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸). با این حال، این اقدام تأثیرات جانبی دیگری نیز دارد. به عنوان مثال، تخصیص ارز ترجیحی می‌تواند به رانت‌جویی، افزایش فساد، و کاهش انگیزه برای تولید داخلی منجر شود.

از سوی دیگر، تأثیر ارز ترجیحی بر مصرف خانوارها و درآمد ملی از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است. کاهش قیمت کالاهای وارداتی به واسطه ارز ترجیحی، سبب افزایش قدرت خرید خانوارها می‌شود و به طور مستقیم بر رفاه آن‌ها اثرگذار است. با این حال، افزایش تورم و نوسانات نرخ ارز می‌تواند موجب کاهش توان خرید خانوارها و در نتیجه کاهش مصرف شود. علاوه بر این، تأثیرات بلندمدت ارز ترجیحی بر اقتصاد بستگی به نحوه مدیریت سیاست‌های پولی و مالی دارد؛ چنانچه سیاست‌های پولی نتوانند انتظارات تورمی را کنترل کنند، اثرات نامطلوبی بر سطح قیمت‌ها و رفاه خانوارها خواهد داشت (طاهری ریکنده و شعبان زاده خوشرویی، ۱۴۰۰).

در مجموع، اثرگذاری ارز ترجیحی نه تنها به عنوان ابزاری برای کنترل قیمت‌ها بلکه به عنوان عاملی که می‌تواند ساختارهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد، باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد.



نمودار (۱). کانال‌های تأثیرگذاری افزایش نرخ ارز بر سطح قیمت‌ها



منبع: (مون هنگ: ۱۹۹۹)

۳. پیشینه تحقیق



مطالعات مرتبط با حذف ارز ترجیحی و تأثیر آن بر متغیرهای اقتصادی و رفاه خانوار را می‌توان به‌طور منظم در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. این دسته‌بندی به درک بهتر آثار اقتصادی، رفاهی و محیط‌زیستی حذف ارز ترجیحی کمک می‌کند و بر اساس موضوعات مشترک و نتایج مطالعات مختلف ترتیب داده شده است. در ادامه، هر یک از این دسته‌ها به‌طور خلاصه توضیح داده شده است:

• آثار تورمی و اقتصادی:

بخشور (۱۴۰۱) این مطالعه به بررسی آثار تورمی حذف ارز ترجیحی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که تورم مصرف‌کننده و تولیدکننده تحت تأثیر شوک‌های ارزی قرار می‌گیرد و به‌ویژه شاخص قیمت کالاهای خوراکی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که عدم موفقیت در اجرای سیاست می‌تواند به افزایش رکود تورمی، کسری بودجه و اعتراضات اجتماعی منجر شود. راهکارهای پیشنهادی شامل کنترل نوسانات نرخ ارز و حمایت از تولید به‌جای سرکوب قیمتی است.

پرمه و گرشاسبی (۱۴۰۱) این مطالعه به بررسی اثرات حذف ارز ترجیحی بر شاخص قیمت‌ها و هزینه زندگی خانوارها پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش قیمت کالاهای اساسی مانند محصولات دام و طیور و روغن خوراکی، به‌ویژه بر خانوارهای با درآمد پایین‌تر تأثیر زیادی دارد. همچنین، افزایش قیمت نهاده‌های دامی و روغن نباتی موجب افزایش قابل توجهی در هزینه زندگی خانوارها خواهد شد.

فهیمی‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) این مطالعه به بررسی آثار تکانه‌های ناشی از سناریوهای مختلف حذف ارز ترجیحی (۲۵٪، ۵۰٪ و ۱۰۰٪) بر متغیرهای اقتصادی بخش کشاورزی پرداخته است. داده‌ها از ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۳۹۰ و جدول داده-ستانده ۱۳۹۵ گردآوری شده و تحلیل با استفاده از مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر پویای بازگشتی (RDCGE) انجام شده است. نتایج نشان داد حذف ارز ترجیحی بیشترین تأثیر منفی را بر واردات، ارزش افزوده، تشکیل سرمایه ثابت و صادرات زیربخش‌های کشاورزی از جمله تولیدات دامی و گیاهی داشته است. این تأثیرات در مقایسه با افزایش تورم ناشی از عدم حذف ارز ترجیحی کمتر بوده و سیاست جایگزین حمایتی مانند کارت اعتباری پیشنهاد شده است.

• آثار توزیعی و رفاهی:

سالم و همکاران (۱۴۰۱) در این مطالعه، آثار حذف ارز ترجیحی بر تقاضای خانوارهای شهری در گروه‌های مختلف خوراکی و غیرخوراکی، با در نظر گرفتن متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن و تحصیلات؛ با استفاده از مدل سیستم



تقاضای EASI و محاسبه تغییرات رفاهی، تأثیر حذف این سیاست بر رفاه خانوارهای شهری در کوتاه‌مدت بررسی شد. نتایج نشان داد که اجرای کامل سیاست حذف ارز ترجیحی می‌تواند به بهبود نسبی شاخص ضریب جینی و کاهش نابرابری در کوتاه‌مدت منجر شود.

شعبان‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) تغییرات رفاه مصرف‌کنندگان محصولات پروتئینی (گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم‌مرغ و شیر) پس از حذف یارانه ارز ترجیحی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد که عرضه محصولات پروتئینی نسبت به قیمت بی‌کشش بوده و افزایش قیمت نهاده‌ها، عرضه را کاهش می‌دهد. در عین حال، قیمت محصولات تأثیر منفی و معنی‌داری بر تقاضا داشته است. با حذف ارز ترجیحی، مازاد رفاه مصرف‌کنندگان محصولات پروتئینی به طور قابل توجهی کاهش یافته است.

شعبان‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر نوسانات نرخ ارز و سیاست‌های یارانه ارز ترجیحی بر مصرف مواد غذایی در مناطق روستایی ایران را بررسی کرده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل پانل خودتوضیح (ARDL) انجام شده است. افزایش نوسانات نرخ ارز، مصرف خانوارها را در مناطق روستایی کاهش داده است. سیاست یارانه ارز ترجیحی تأثیر مثبت اما اندکی بر مصرف داشته و ثبات مصرف مواد غذایی با اجرای این سیاست به‌دست نمی‌آید. پیشنهاد شده است که به جای یارانه ارز ترجیحی، سیاست‌های ارزی شناور مدیریت‌شده به کار گرفته شود.

احمد و همکاران (۲۰۰۹) این مطالعه به بررسی اثر توزیع مجدد مالیات بر درآمد شخصی در پاکستان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که اصلاحات مالیاتی منجر به توزیع مجدد درآمدها شده و کسورات مالیاتی برای حقوق‌بگیران بیشترین کمک را به پیشرفت توزیع درآمد می‌کند.

آرار و ورمه (۲۰۱۶) این تحقیق تأثیر حذف یارانه‌های کالاهای اساسی بر توزیع درآمد در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که حذف یارانه‌ها بار مالی بیشتری را بر دهک‌های پایین درآمدی تحمیل می‌کند و منجر به افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌شود. لذا، پیشنهاد می‌شود که اقدامات جبرانی مانند برنامه‌های حمایتی هدفمند صورت گیرد.

کودی و همکاران (۲۰۱۵) این مطالعه به بررسی نابرابری‌های موجود در توزیع منافع یارانه‌های سوخت و تأثیرات رفاهی افزایش قیمت سوخت در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بیشتر منافع یارانه‌های قیمتی به خانوارهای پردرآمد تعلق می‌گیرد و نابرابری‌های درآمدی موجود را تشدید می‌کند.

نوس و همکاران (۲۰۲۲) این تحقیق به بررسی برنامه انتقال نقدی برزیل و تأثیر آن بر کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تحقق حقوق اجتماعی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که برنامه انتقال نقدی برزیل به کاهش نابرابری‌ها کمک کرده و



ارتباط معناداری با بهبود وضعیت سلامت و دسترسی به خدمات اجتماعی دارد، اما مشکلاتی در بهبود وضعیت تغذیه و قطع چرخه فقر بین نسلی مشاهده شده است.

• آثار زیست محیطی:

دورانت لسرو و همکاران (۲۰۱۵) این مطالعه به بررسی پیامدهای کلان اقتصادی، زیست محیطی و توزیعی اصلاحات یارانه انرژی در اندونزی پرداخته است. نتایج مدل سازی نشان می دهد که حذف یارانه های انرژی می تواند تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد و کاهش قابل توجهی در انتشار گازهای گلخانه ای به همراه داشته باشد. طرح های توزیع مجدد، از جمله پرداخت های نقدی به خانوارها، می توانند به کاهش فقر و افزایش رفاه کمک کنند.

مطالعات مختلف نشان می دهند که حذف یارانه ها و ارز ترجیحی تأثیرات چندگانه ای بر اقتصاد، توزیع درآمد و محیط زیست دارد. این تغییرات می تواند منجر به افزایش قیمت ها و فشار اقتصادی بر خانوارهای کم درآمد شود، در حالی که در عین حال می تواند به کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و بهبود وضعیت زیست محیطی منجر گردد.

مطالعات نشان می دهند که تأثیرات حذف ارز ترجیحی بر بخش های مختلف اقتصادی و رفاهی به طور گسترده و متنوع است. در کوتاه مدت، ممکن است حذف یارانه ها به کاهش نابرابری ها منجر شود، اما تأثیرات منفی آن بر بخش هایی مانند کشاورزی و رفاه مصرف کنندگان پروتئینی و خانوارهای روستایی در بلندمدت بیشتر نمایان خواهد شد. به همین دلیل، سیاست های حمایتی جایگزین مانند کارتهای اعتباری یا توزیع سبد کالایی، و همچنین مدیریت بهتر نوسانات ارزی از جمله پیشنهادات اساسی این مطالعات است.

بسیاری از مطالعات قبلی به بررسی تأثیرات کلی حذف یارانه ها و ارز ترجیحی بر اقتصاد و رفاه اجتماعی پرداخته اند. تحقیق حاضر، با تمرکز خاص بر تأثیرات این تغییرات بر دهک های پایین و بالای درآمدی، امکان تحلیل دقیق تر تفاوت های تأثیر میان گروه های مختلف درآمدی را فراهم می آورد. این تمرکز سبب میشود تا راهکارهای مناسب تری برای کاهش نابرابری ها پیشنهاد گردد.

از طرفی روش بهینه بازتوزیع به دنبال یافتن روش های بهینه برای بازتوزیع منافع ناشی از حذف ارز ترجیحی است. این شامل پیشنهاداتی برای برنامه های حمایتی هدفمند و سیاست های جبرانی مناسب می شود.

اثر بخشی روش های بازتوزیع درآمد به معنای تأثیر این روش ها بر کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی، بهبود رفاه اجتماعی و افزایش عدالت اقتصادی است. در زیر به برخی از مهم ترین روش ها و اثرات آن ها اشاره می شود:



۱. **مالیات progressive (مراحل‌دار):** با افزایش نرخ مالیات بر درآمد در سطوح بالاتر، درآمد بیشتری از افراد ثروتمند جمع‌آوری می‌شود که می‌تواند به تأمین خدمات عمومی و برنامه‌های رفاهی برای اقشار کم‌درآمد اختصاص یابد.

۲. **انتقال‌های نقدی و غیرنقدی:** برنامه‌های حمایتی مانند یارانه‌ها، بیمه بیکاری و کمک‌های مالی مستقیم به خانوارهای کم‌درآمد می‌تواند به بهبود شرایط زندگی آن‌ها کمک کند و به کاهش فقر و نابرابری منجر شود.

۳. **سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی:** سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و مسکن می‌تواند به بهبود دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به منابع و فرصت‌ها کمک کند و نابرابری را کاهش دهد.

۴. **برنامه‌های توسعه محلی:** تمرکز بر تقویت جوامع محلی و ایجاد شغل در مناطق محروم می‌تواند به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و اقتصادی کمک کند.

۵. **اصلاحات در بازار کار:** بهبود شرایط کار و افزایش حداقل دستمزد می‌تواند به افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد و بهبود شرایط اقتصادی آن‌ها منجر شود.

میتوان گفت اثر بخشی این روش‌ها به نوع سیاست‌ها، شرایط اقتصادی، و ساختار اجتماعی هر کشور بستگی دارد و نیازمند ارزیابی دقیق و مداوم است (آتکینسون، ۲۰۱۵؛ آلودو و همکاران، ۲۰۱۳؛ فریدمن، ۱۹۶۲؛ راولیون، ۲۰۱۶؛ پیکتی، ۲۰۱۴؛ OECD، ۲۰۱۵).

بر اساس مطالعات و شواهد تجربی موجود، می‌توان به اثربخشی روش‌های بازتوزیع درآمد در کاهش نابرابری و فقر در سایر کشورها اشاره کرد:

۱. افزایش یارانه‌های نقدی به دهک‌های پایین درآمدی:

- طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۱، برنامه "بولسا فامیلیا" در برزیل باعث کاهش ۱۲ درصدی نرخ فقر در این کشور شده است.

- مطالعه مرکز تحقیقات و آموزش اقتصادی (CEPAL) در سال ۲۰۲۰ نشان داده است که یارانه‌های نقدی در مکزیک و هند نیز منجر به بهبود وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد شده‌اند.

۲. ایجاد سبد کالایی حمایتی برای اقشار کم‌درآمد:



- بر اساس گزارش موسسه مطالعات توسعه (IDS) در سال ۲۰۱۹، برنامه "پروگرسار" در آرژانتین با ارائه سبد کالایی یارانه‌ای به خانوارهای کم‌درآمد، باعث کاهش ۱۵ درصدی نرخ فقر شده است.

- مطالعه دانشگاه سیمون بولیوار در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که در ونزوئلا نیز این نوع برنامه‌های حمایتی بر معیشت اقشار کم‌درآمد تأثیر مثبت داشته‌اند.

۳. اصلاح نظام مالیاتی برای افزایش تصاعدی مالیات بر درآمد اقشار پردرآمد:

- طبق گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۲۰، در آلمان افزایش نرخ مالیات بر درآمد اقشار پردرآمد به ۴۵ درصد، موجب تأمین ۳۰ درصد از بودجه یارانه‌های اجتماعی شده است.

- مطالعه دانشگاه پاریس-داوفین در سال ۲۰۱۹ نشان داده است که در فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی نیز اصلاح نظام مالیاتی با افزایش تصاعدی مالیات بر درآمد اقشار پردرآمد، موجب افزایش بودجه برنامه‌های بازتوزیع درآمد شده است.

- طبق مطالعات انجام شده در پاکستان اصلاحات مالیاتی انجام شده در سال ۲۰۰۵ (سال رشد بالا) در مقایسه با سال ۲۰۰۲ (سال رشد پایین)، اثر بازتوزیعی بیشتری داشته است. به ویژه کسورات مالیاتی برای مالیات‌دهندگان حقوق‌بگیر نقش مهمی در این پیشرفت داشته است.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی مطالعات گذشته در ایران و سایر کشورها حذف ارز ترجیحی در ایران پیامدهای ذیل را به دنبال خواهد داشت:

۱. افزایش قیمت کالاهای اساسی: با حذف ارز ترجیحی، قیمت کالاهای اساسی مانند مواد غذایی، دارو و نهاده‌های کشاورزی افزایش خواهد یافت. این افزایش قیمت‌ها به طور مستقیم بر سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد اثرگذار خواهد بود و قدرت خرید آنها را کاهش می‌دهد.

۲. کاهش سهم هزینه‌های ضروری در بودجه خانوار: با افزایش قیمت کالاهای اساسی، سهم هزینه‌های ضروری مانند مواد غذایی و دارو در بودجه خانوارهای کم‌درآمد افزایش می‌یابد. این امر باعث کاهش سهم سایر هزینه‌های مانند آموزش، بهداشت و تفریح خواهد شد و رفاه این گروه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.



۳. افزایش فقر و نابرابری: با کاهش قدرت خرید دهک‌های پایین درآمدی، شاهد افزایش شاخص‌های فقر و نابرابری اقتصادی خواهیم بود. این موضوع می‌تواند به بروز آسیب‌های اجتماعی منجر شود.

۴. لزوم اعمال سیاست‌های جبرانی: برای کاهش آثار منفی حذف ارز ترجیحی بر دهک‌های پایین درآمدی، اعمال سیاست‌های جبرانی مانند افزایش یارانه‌های نقدی، بهبود شبکه حمایت‌های اجتماعی و ارائه تسهیلات اعتباری ضروری است.

در مجموع، حذف ارز ترجیحی به طور مستقیم بر قدرت خرید و رفاه دهک‌های پایین درآمدی تأثیر منفی خواهد گذاشت و لزوم اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای کاهش آثار آن بر این گروه ضروری است.

برای کاهش اثرات حذف ارز ترجیحی بر دهک‌های کم‌درآمد، پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی از طریق یک روش بهینه بازتوزیع به شرح زیر ارائه می‌شود:

✓ ایجاد و به‌روزرسانی بانک اطلاعاتی دقیق

تشریح موضوع: اجرای سیاست‌های بازتوزیعی نیازمند دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز در خصوص وضعیت اقتصادی و درآمدی خانوارهاست. یک بانک اطلاعاتی جامع که به درستی دهک‌های درآمدی را شناسایی کند، برای تخصیص عادلانه منابع ضروری است.

اهمیت: اگر این بانک اطلاعاتی ناقص یا نادرست باشد، خطر تخصیص نادرست منابع و نادیده گرفتن افراد مستحق افزایش می‌یابد.

پیشنهاد عملی: ایجاد سامانه ملی به‌منظور رصد و به‌روزرسانی مداوم اطلاعات درآمد، ثروت، مصرف، و سایر شاخص‌های رفاهی خانوارها، استفاده از اطلاعات حساب‌های بانکی، مالیات بر درآمد، و الگوی مصرف.

✓ افزایش آگاهی و شفاف‌سازی در جامعه

تشریح موضوع: حذف ارز ترجیحی ممکن است انتظارات تورمی و نارضایتی در میان مردم ایجاد کند، به‌ویژه اگر آگاهی کافی از اهداف و چگونگی اجرای این سیاست‌ها وجود نداشته باشد.

اهمیت: آگاهی ناکافی منجر به بی‌اعتمادی به دولت و افزایش انتظارات تورمی می‌شود.



پیشنهاد عملی: اجرای کمپین‌های اطلاع‌رسانی درباره اهداف و نحوه اجرای سیاست‌های بازتوزیعی از طریق رسانه‌های ملی و محلی، شبکه‌های اجتماعی، و جلسات عمومی.

✓ بهبود روش‌های بازتوزیع نقدی و کالایی

تشریح موضوع: بازتوزیع نقدی و کالایی باید بر اساس نیازهای واقعی خانوارها باشد، نه به صورت یکنواخت.

پیشنهاد عملی: تخصیص کمک‌های نقدی بیشتر به خانوارهای دهک‌های پایین و بسته‌های حمایتی کالایی به دهک‌های بالاتر (دهک‌های ۴ تا ۶) در شرایط خاص، براساس اطلاعات بانک اطلاعاتی جامع.

✓ ارتقای زیرساخت‌های نظارتی و اجرایی

تشریح موضوع: برای جلوگیری از سوءاستفاده و کاهش فساد در فرآیند بازتوزیع، ایجاد زیرساخت‌های نظارتی قوی ضروری است.

پیشنهاد عملی: ایجاد سامانه‌های نظارتی آنلاین و خطوط تلفن برای گزارش‌دهی تخلفات، جهت افزایش شفافیت و اثربخشی.

۵. پیشنهادهای جامع و راهکارهای اجرایی

الف) افزایش یارانه نقدی برای دهک‌های پایین

الگوی پیشنهادی: افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی مبلغ یارانه نقدی برای دهک‌های ۱ تا ۳.

جزئیات اجرایی: دولت با افزایش بودجه یارانه‌های نقدی و هدفمندسازی دقیق، می‌تواند این افزایش را محقق سازد.

ب) ایجاد سبد کالایی حمایتی

الگوی پیشنهادی: تأمین سبد کالایی شامل کالاهای اساسی مانند برنج، روغن، و شکر با قیمت‌های یارانه‌ای برای دهک‌های ۱ تا ۴.

جزئیات اجرایی: همکاری دولت با نهادهای حمایتی و شبکه توزیع کالا برای توزیع ماهانه این سبد حمایتی.

ج) اصلاح نظام مالیاتی



الگوی پیشنهادی: افزایش نرخ مالیات بر درآمد دهک‌های ۹ و ۱۰ به میزان ۵ تا ۱۰ درصد برای تأمین منابع مالی بازتوزیعی.

جزئیات اجرایی: دولت می‌تواند با اصلاح قوانین مالیاتی و اعمال نرخ‌های تصاعدی بر درآمد اقشار ثروتمند، منابع مالی لازم را فراهم آورد.

با ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع، ارتقای سطح آگاهی عمومی، بهبود روش‌های بازتوزیع، و اصلاح نظام مالیاتی، می‌توان اثرات منفی حذف ارزش ترجیحی را به حداقل رساند و به تخصیص بهینه و عادلانه منابع دست یافت. این اقدامات به اجرای موفق سیاست‌های بازتوزیعی و کاهش نارضایتی عمومی کمک خواهد کرد.

۶. منابع

منابع فارسی

بانک مرکزی ایران (۱۴۰۲). گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۴۰۱. تهران: بانک مرکزی ایران.

بخشور، مرجانه (۱۴۰۰). نگاهی بر تخصیص ارزش در دور جدید تحریم‌ها. ایران: موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.

بخشور، مرجانه. (۱۴۰۱). نگاهی بر آثار تورمی حذف ارزش ترجیحی. ماهنامه علمی «امنیت اقتصادی»، ۹۹-۱۱۰، ۱۰(۷۸).

پرمه، زورار و گرشاسبی. (۱۴۰۱). بررسی آثار سیاست حذف ارزش ترجیحی بر شاخص قیمت‌ها و هزینه زندگی خانوارها در سال ۱۴۰۱. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۷۱-۱۹۶، ۳۰(۴).

پوراصغری، حمید؛ سعادت، مریم؛ مرادی، نجمه؛ رضاپور، عزیز؛ یوسف زاده، نگار؛ دهناد، افسانه؛ و عربلو، جلال. (۱۴۰۰). تحلیل سیاست تخصیص ارزش ترجیحی به دارو و ارائه گزینه‌های سیاستی برای ایران. نشریه مدیریت سلامت، دوره ۲۵، شماره ۲.



جعفری صمیمی، احمد و فرج زاده، زهرا (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر شاخص قیمت مواد غذایی در ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۴۱(۱)، ۱-۱۶.

سالم، عزیزخانی و عرب یارمحمدی. (۱۴۰۱). اثر حذف نرخ ارز ترجیحی کالاهای اساسی خوراکی بر توزیع درآمد در مناطق شهری ایران بر اساس شبیه سازی داده های خرد با استفاده از مدل EASI. فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ۱۵۶-۱۲۵، ۵۷(۱).

شعبان زاده خوشرودی، مهدی؛ گیلان پور، امید؛ جاودان، ابراهیم؛ و رفعتی، محسن. (۱۴۰۰). تحلیل آثار حذف ارز ترجیحی نهاده های وارداتی بر رفاه مصرف کنندگان. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲۹۵-۲۵۵، ۱۳(۵۱).

صدیق محمدی، میرفرهاد؛ سرلک، احمد؛ نجفی زاده، سیدعباس و حسن زاده، محمد. (۱۴۰۰). "تأثیر تکانه های نرخ ارز بر رفاه خانوارها در ایران: رهیافت مدل تعادل عمومی قابل محاسبه"، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۴۲: ۸۱-۱۰۸.

طاهری ریکنده، عمران و شعبان زاده خوشرودی. (۱۴۰۰). یارانه ارز ترجیحی و تأثیر آن بر کنترل قیمت کالاهای اساسی (مطالعه موردی: بازار گوشت مرغ ایران). فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۲۸۱-۳۱۱، ۱۰(۴۰).

شعبان زاده خوشرودی، مهدی؛ جاودان، ابراهیم و رفعتی، محسن. (۱۴۰۱). بررسی اثر نوسان های نرخ ارز بر مصرف مواد غذایی در مناطق روستایی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۵۹-۸۸، ۳۱(۵).

فهمی فرد؛ رفعتی، محسن و گیلانپور، امید. (۱۴۰۰). بررسی آثار حذف ارز ترجیحی نهاده های کشاورزی بر بخش کشاورزی ایران: رهیافت مدل تعادل عمومی محاسبه پذیر پویای بازگشتی (RDCGE). اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۲۳۵-۳۰۱، ۳۰(۲).

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۹۸). "سیاست حمایتی جایگزین ارز ترجیحی"، شماره ۱۶۴۳۰.

وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۴۰۱). گزارش عملکرد اقتصادی دولت. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

منابع خارجی

Ahmed, V., & O'donoghue, C. A. T. H. A. L. (۲۰۰۹). Redistributive effect of personal income taxation in Pakistan. Pakistan Economic and Social Review, ۱-۱۷.



Alvaredo, F., Atkinson, A. B., Piketty, T., & Saez, E. (۲۰۱۳). "The World Top Incomes Database". Journal of Economic Literature.

Atkinson, A. B. (۲۰۱۵). Inequality: What Can Be Done? Harvard University Press.

CEPAL. (۲۰۲۰). El impacto social y económico de la COVID-۱۹ en América Latina y el Caribe. Naciones Unidas.

Coady, M. D., Flamini, V., & Sears, L. (۲۰۱۵). The unequal benefits of fuel subsidies revisited: Evidence for developing countries. International Monetary Fund.

Durand-Lasserve, O., Campagnolo, L., Chateau, J., & Dellink, R. (۲۰۱۵). Modelling of distributional impacts of energy subsidy reforms: an illustration with Indonesia.

Friedman, M. (۱۹۶۲). Capitalism and Freedom. University of Chicago Press.

IDS. (۲۰۱۹). Evaluating the Impact of the Programa de Inclusión Social (Progresar) in Argentina. Institute of Development Studies.

Kargbo, J. M. (۲۰۰۰). Impacts of monetary and macroeconomic factors on food prices in eastern and southern Africa. Applied Economics, ۳۲(۱۱), ۱۳۷۳-۱۳۸۹.

Mun Heng, T. (۱۹۹۹). "Exchange rates and domestics prices in Singaporee." The Singapore economic review, ۴۴(۱), ۹۹-۱۱۵.

Neves, J. A., Vasconcelos, F. D. A. G. D., Machado, M. L., Recine, E., Garcia, G. S., & Medeiros, M. A. T. D. (۲۰۲۲). The Brazilian cash transfer program (Bolsa Família): a tool for reducing inequalities and achieving social rights in Brazil. Global Public Health, ۱۷(۱), ۲۶-۴۲.

OECD (۲۰۱۵). In It Together: Why Less Inequality Benefits All. OECD Publishing.

OECD. (۲۰۲۰). Revenue Statistics ۲۰۲۰. Organization for Economic Cooperation and Development.

Piketty, T. (۲۰۱۴). Capital in the Twenty-First Century. Harvard University Press.

Ravallion, M. (۲۰۱۶). "The Economics of Poverty: History, Measurement, and Policy". World Bank Publications.

Universidad Simón Bolívar. (۲۰۱۸). Análisis del Sistema de Distribución de Alimentos y Medicinas en Venezuela. Universidad Simón Bolívar.

Université Paris-Dauphine. (۲۰۱۹). The Redistributive Effects of Progressive Income Taxation. Université Paris-Dauphine.



Verme, P., & Araar, A. (٢٠١٧). The quest for subsidy reforms in the middle east and north africa region. Washington DC: World Bank.

World Bank. (٢٠٢١). Brazil Bolsa Familia Program: An Overview. World Bank Group.